

کیفیات مشدده عام و خاص در حوزه جرائم نیروهای مسلح در سیاست کیفری ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱/۲۰

امیر حسن ابوالحسنی^۱غلامحسین رضایی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۳/۲۱

مصطفی فروتن^۳

چکیده

به دنبال تغییرات اندیشه‌های حقوق جزا که مبنای تحول آن بیش از همه، حول محور شخصیت مجرم دور می‌زند قانونگذاران غالب جوامع را بر آن داشته تا بیش از پیش در تدوین قوانین جزایی به نیازهای مختلف شخصیتی مجرم توجه نموده و آن را سر لوحه‌ی جهت‌گیری‌های خود قرار دهند، از آنجائیکه افراد انسانی دارای شخصیت، خلق و خو و منش متفاوت هستند و ساخت شخصیتی رفتارهای متفاوتی را در شرایط یکسان به دنبال خواهد داشت و قرار دادن افراد مختلف بعد از ارتکاب جرم در یک قالب خاص و رایج بطور کلی با اندیشه‌های نوین سیاست کیفری تنافی آشکار دارد. از این رو اتخاذ سیاست جنایی تقنینی کارآمد که در درجه اول در بحث قانونگذاری به شخصیت مجرم توجه لازم را معطوف داشته و در گام بعدی به قاضی این امکان را داده تا با استمداد از کلیه ابزارها و امکانات موجود ضمن رعایت جنبه‌های قانونی فرآیند کیفری به یکی از اهداف و اصول مهم حقوق کیفری نوین که همانا اصل فردی کردن واکنش علیه پدیده‌ی مجرمانه است نائل آید، امری بدیهی به نظر می‌رسد. با امعان نظر به اهمیت و جایگاه نیروهای مسلح در هر کشوری به منظور ایجاد نظم می‌باشد. در حوزه جرایم و مجازات‌های نظامی، قانونگذار کیفیت مشدده را از جهات عام و خاص آن مد نظر قرار داده است. بدین نحو که عوامل تشدید کننده را مطرح و شدت مجازات را بر اساس این عوامل طرح نموده است مسئله‌ی پژوهش حاضر کیفیت مشدده عام و خاص در حوزه جرائم نیروهای مسلح در سیاست کیفری ایران می‌باشد.

واژگان کلیدی: سیاست کیفری، نظام حقوقی ایران، کیفیت مشدده، نیروهای مسلح.

^۱ دانشجوی دکترای حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران. a.abolhasani\1@yahoo.com

^۲ استادیار گروه حقوق، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران. (نویسنده مسئول) gh_h_rezaii@yahoo.com

^۳ استادیار گروه حقوق، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران. forutanmostafa@gmail.com

با امعان نظر به اهمیت و جایگاه نیروهای مسلح در هر کشوری به منظور ایجاد نظم و انضباط و استمرار آن یکی از دغدغه های اصلی قانونگذاران، اتخاذ تدابیری است تا مقررات و قوانین کیفری را به نحوی سامان دهند که ضمن رعایت اصل قانونی بودن جرائم و مجازات ها حداکثر تناسب بین شخصیت مجرمین و مجازات تعیین شده برای آنان رعایت شود (نیازی، ۱۳۹۳: ۴۱؛ یزدانیان جعفری، ۱۳۸۵: ۲۰۲).

از این رو قانونگذار کشورمان نیز با تأسی از این نگرش از سال ۱۳۰۴ در قانون مجازات عمومی کیفیات مشدده، مجازات ها را ملحوظ نمود و سپس همین رویه با اصلاحاتی در سال ۱۳۵۲ تعدیل شد. قانون راجع به مجازات اسلامی مصوب ۱۳۶۱ که تقسیم بندی جدیدی از مجازات ها مطابق قواعد شرعی ارائه شده بود با تفکیک تعزیرات از سایر مجازات ها، کیفیات مشدده مجازات ها را مطرح کرده بود. سرانجام پس از سال ها اساتید صاحب نظران و محاکم در مورد برخی نواقص قانون راجع به مجازات اسلامی که نحوه اعمال کیفیات مخففه و مشدده ی مجازات ها نیز از جمله اشکالات وارده بر آن بود قانون مجازات اسلامی در سال ۱۳۷۰ به تصویب رسید اگرچه توانست برخی ایرادات وارده بر قانون سلف خود را مرتفع نماید اما در بسیاری موارد و بویژه کیفیات مشدده اعم از تبدیل مجازات ها، تعدد و تکرار جرم و نحوه و حدود مجازات در مواجهه با آن ها دارای ابهاماتی بود که با تصویب قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ کیفیات مذکور در بحث حدود که الهام گرفته از نظریات فقیهان است روشن تر، شفاف و نظام مند گردید و هر چند در بحث تعزیرات راه دیگری پیموده که می توانست با بهره گیری از نظرات فقهی آن ها را قاعده مندرت کند. از سوی دیگر با مذاقه در برخی قوانین خاص همچون قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ که یک و نیم دهه از تصویب آن می گذرد کیفیات مزبور موثر در مجازات ها به خصوص در زمینه تخفیف و تبدیل مجازات ها به شیوه ای قاعده مندرت و با تعیین حدود و نحوه اعمال بنحو شایسته ای ترسیم شده است (الهام، ۱۳۸۹: ۸۵).

با توجه به تأثیر مخرب ارتکاب جرائم نظامیان بر توسعه و ثبات نیروهای مسلح که سبب واکنش کیفری ویژه مقننین در مقابل این طیف از جرائم گردیده است در تمام کشورها برای رسیدگی به جرائم نظامی محاکمه خاصی در نظر گرفته شده و در کشور ما نیز برابر اصل ۱۷۲ قانون اساسی^۴ سازمان قضایی نیروهای مسلح برای رسیدگی به جرائم نظامی تشکیل شده است (نظریه مشورتی، ۱۳۷۳/۳۰/۶). که هدف آن برقراری امنیت اجتماعی و پاسداری از نظم عمومی نیروهای نظامی و انتظامی مسلح به منظور تامین استقلال و امنیت ملی است که همواره باید به نظم و انضباط خاصی آراسته باشند چه اینکه لازمه این انتظام اتخاذ واکنش و تدابیری مشدد و متفاوت از ارتکاب جرائم عادی توسط سایر افراد جامعه است (مهري، ۱۳۹۴: ۹۶) و از آنجا که اعمال صحیح و اصولی نهاد حقوقی کیفیات مشدده می تواند در جهت ساماندهی بسیاری از معضلات و کاستی های فعلی سازمان قضایی نیروهای مسلح کشور که از جمله آن افزایش آمار مجرمان و بطور کلی روند صعودی افزایش جرائم می باشد موثر واقع شود و از آن جایی که موقعیت مقننین به این

۴. اصل ۱۷۲ قانون اساسی: برای رسیدگی به جرائم مربوط به وظایف خاص نظامی یا انتظامی اعضاء ارتش، ژاندارمری، شهربانی و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، محاکم نظامی مطابق قانون تشکیل می گردد، ولی به جرائم عمومی آنان یا جرائمی که در مقام ضابط دادگستری مرتکب شوند در محاکم عمومی رسیدگی می شود. دادستانی و دادگاه های نظامی، بخشی از قوه قضائیه کشور و مشمول اصول مربوط به این قوه هستند.

نوع تأسیس در قوانین جزایی کشورهای مختلف در بسیاری از جهات متفاوت بوده که مطالعه و بررسی این نهادهای حقوقی با شیوه‌های مقایسه‌ای و تحلیلی می‌تواند گامی موثر در شناخت ظرایف و حساسیت‌های موجود در نیروهای مسلح با به حداقل رساندن نقاط ضعف این تأسیس موجب بهبود و اصلاح آن گردد (می‌ری، ۱۳۸۱: ۶۳).

بنابراین در جرائم نظامی با نگاهی به قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ و رویه قضایی محاکم نظامی در ایران می‌توان اتخاذ گونه‌ای سیاست کیفری سخت‌گیرانه را ملاحظه نمود چرا که از جمله مبانی پاسخ‌دهی به جرائم نیروهای مسلح دغدغه‌های امنیتی بوده است (مهرا، ۱۳۸۶: ۵۵؛ عمیقی، ۱۳۸۳: ۸۹) و همین دغدغه‌ی خاطر قانون‌گذار منجر به اتخاذ نوعی سیاست کیفری متمایز بدلیل ویژگی مجرمین، بزه‌دیدگان و جرائم ارتكایی آن‌ها گردیده است که نتیجه آن عدول از برخی اصول و معیارهای متعارف حقوق کیفری است. جرائم نظامی به عنوان دسته‌ای از جرائم حساس و مهم به دلایل مختلف نیازمند چنین سیاست کیفری افتراقی است (کاشفی، ۱۳۸۴: ۵۶۳؛ کاتوزیان، ۱۳۸۵: ۴۲۱). تفاوت‌های برجسته این دسته از جرائم یا سایر جرائم از جمله تفاوت در ماهیت، شیوه، گستره و بستر ارتکاب جرم و تفاوت در خطرناکی جرم و مجرمین طبیعاً سیاست و کیفیاتی مشدد را لاجرم فوری می‌سازد.

۲- مفاهیم و نظریه‌ها

کیفرشناسی عبارت است از علم اجرای مجازات که به زبان ساده می‌توان آن را به کیفرشناسی یا شناخت طبیعت کیفر نام برد. کیفرشناسی یا علم اجرای مجازات‌ها، دانش جدیدی است که سابق بر این دامنه‌اش محدودتر بوده و عنوان دیگری هم داشته است. عنوان سابق این علم همانا سیانس پنی پس از انقلاب کبیر فرانسه به وجود آمده و صرفاً درباره نحوه اجرای مجازات‌ها در محیط بسته زندان‌ها و چگونگی اداره کردن زندان‌های قدیم بحث کرده است، طبیعی است که عنوانش نیز متناسب با محتویاتش بوده و از آنجا به نام (سیانس، پنی، تانس، یر) نامیده شده است. برخی حقوق دانان کیفرشناسی را چنین تعریف کرده‌اند: کیفرشناسی عبارت است از علمی که در خصوص مسایل مربوط به طرز اجرای محکومیت‌های جزایی اعم از حبس و کلیه اصول و روش‌های اصلاحی و تربیتی و درمانی و تطبیق دادن آن‌ها با شخصیت بزهکاران و تشکیلات زندان‌ها و مؤسسات وابسته به آن‌ها مطالعه می‌کند (گارو، ۱۳۹۹: ۷۴).

۲-۱- تعریف کیفیات مشدده

واژه‌ای است عربی از ریشه شدد، در فرهنگ معین واژه‌ی مشدده، اسم مفعول و مؤنث مشدد به معنی محکم شده، و استوار شده معرفی شده است. جهات تشدید مجازات، اوصاف و کیفیاتی است که قانون‌گذار تعیین نموده و سبب بالا رفتن میزان مجازات می‌شود. جهات تشدید مجازات به کیفیات مشدده عمومی (عام) و کیفیات مشدده اختصاصی (خاص) تقسیم می‌شوند (فتحی، ۱۳۹۸: ۶۸).

۲-۲- تعریف جرم نظامی

ضابطه و معیاری که قوانین موضوعه جاری برای شناسایی و تشخیص جرم نظامی معین کرده‌اند و فصل‌میزه جرم نظامی از جرم عمومی است، وجود دو صفت توأم با یکدیگر در یک فعل مجرمانه است. یکی از دو وصف، مربوط به شخصیت حقوقی مرتکب جرم است، یعنی باید فاعل و انجام‌دهنده جرم از اعضای نیروهای مسلح باشد (عمید، ۱۳۷۶:

۲۴. وصف دوم مربوط به وضعیت و شرایطی است که در آن شرایط جرم نظامی را چنین تعریف کرده است: «جرم نظامی عبارت است از جرایمی که به تعداد مورد نیاز و به منظور رسیدگی به جرائم مربوط به جنگ با رعایت ماده (۵۹۱) این قانون در محل قرارگاه های عملیاتی، مراکز استان ها یا سایر مناطق مورد نیاز تشکیل می شود (عظیم زاده، ۱۳۹۰: ۷۴).

۲-۳- اصول حاکم بر سیاست کیفری ایران

ایران در سیاست کیفری تقنینی، بیشتر بر با شعار الغا گرایی مبتنی بر عدالت محوری برخلاف امریکا در این حوزه، تاکید دارد اما از سویی دیگر، سیاست کیفری یا جرائم نظامیان مبتنی بر امنیت گرایی و برخورد شدید است، در حالی که در امریکا سیاست کیفری تقنینی و قضایی هر دو بر روی یک موج و همگام با یکدیگر حرکت می کنند (ضیایی، ۱۳۷۳: ۴۹). مثلاً سیاست کیفری قضایی امریکا در جرائم موسوم به تروریستی با سیاست کیفری تقنینی تطبیق داشته و نافی یکدیگر نیستند.

نظام حقوقی اسلام با توجه خاص به مصالح و منافع فردی و اجتماعی و درجه بندی نمودن آنها، نظام کیفری خود را به صورت یک نظام کیفری دو گانه ارائه نموده است. در این نظام کیفری، برای جرایمی که مصالح و منافع ثابت و لایتغیری را هدف قرار می دهند، مجازاتهای ثابت و غیر قابل تغییری تحت عنوان «حدود و قصاص» در نظر گرفته شده است و برای جرایمی که به مصالح و منافع کم اهمیت تر و یا متأثر از شرایط زمان و مکان و ویژگی های مجرم است مجازات های غیر ثابت و انعطاف پذیری را تحت عنوان «تعزیرات» تعیین نموده است (ظاهری، ۱۳۷۷: ۷۹).

۳- روش تحقیق

این تحقیق به روش توصیفی - تحلیلی و تطبیقی انجام خواهد شد. همچنین در این تحقیق با استفاده از کتابخانه از منابع معتبر مانند کتب، مقالات منتشر شده در نشریات معتبر حقوقی و سایت های اینترنتی و قوانین و مقررات مرتبط با موضوع در حقوقی ایران بهره گرفته می شود و سپس فیش های تهیه شده تلخیص، جرح و تعدیل می گردد و در نهایت اطلاعات مذکور مورد تجزیه و تحلیل و نتیجه گیری واقع می شود.

۴- یافته های تحقیق

۴-۱- اصول تشدید کننده مجازات های کیفری تخلفات نظامی ایران

الف: جهات تشدید مجازات

تعدد جرم

قاعده ی تعدد جرم در مورد شخصی اعمال می شود که مرتکب چند جرم جداگانه شده که هر یک از آن جرایم عنوان یا موضوع با یکدیگر متفاوت و یا غیر متفاوت بوده و قبلاً نسبت به هر یک از این جرایم، رسیدگی به عمل نیامده و شخص مورد تعقیب واقع نشده و مجازات نشده و یا این که بعد از صدور حکم قطعی و قبل از تحمل کیفر، مجدداً مرتکب جرم دیگری شود، چنین شخصی به عنوان ارتکاب جرائم متعدد قابل تعقیب بوده و مشمول تعدد مجازات خواهد بود (بحرالعلوم، ۱۳۸۹: ۷۸).

تعدد مادی

افعال مادی جرم گاهی اوقات هر یک متصف به یک وصف قانونی مستقل می شود که در این صورت اصولاً با تعدد اعمال مجرمانه از نوع مادی یا واقعی مواجه هستیم. به عبارت دیگر در تعدد مادی مجرم مرتکب دو یا چند عمل مجزا و جداگانه می گردد که هر یک به تنهایی عناصر جرم را در خود جمع می کند، خواه جرم به طور کامل واقع شود یا خیر.

تعدد اهداف

در برخی مواقع ممکن است قصد و اراده واحد باشد ولی توأم با تعدد افعال گردد، مثلاً در موردی که مرتکب با قصد و اراده ی واحدی به دفعات مختلف اقدام به سرقت اموال منقول یا سرقت محصول از انباری بنماید. اگر چه این نوع سرقت به کرات انجام شده و به واقع تعدد عنصر مادی جرم محقق شده، ولی با توجه به قصد واحد در مجموع این افعال، همه ی آن ها عنوان جرم واحدی می یابد (برومند، ۱۳۹۲: ۱۱۹).

تعدد افعال

برخی از حقوقدانان را نظر بر آن است که برای سهولت در تشخیص و تمایز بین فعل از نتایج آن می بایست به بررسی و مطالعه جرم از جهت های " درون ذاتی " و " برون ذاتی " آن اقدام نمود. بر این اساس " چون جرم یک جرم واحدی مرتکب شده است. در گذشته و قبل از انقلاب نیز رویه ی قضایی ایران مبتنی بر پذیرش تعدد افعال جدای از نتایج آن ها بود. در این مورد رأی اصراری هیأت عمومی به شماره ۴۱۶۵ - ۱۳۳۰ / ۹ / ۲۶ چنین آورده است: «در راندگی تعدد نتایج (مثل این که در آن واحد موجب قتل و جرح چند نفر شده باشد) موجب تعدد جرم نیست.

تعدد نتایج

در برخی از اوقات، فعل یا ترک فعل واحد، منتج به نتایج متعدد می گردد. مثلاً اگر مجرم با اقدام نمودن به پرتاب نارنجک و یا ماده انفجاری مشابه سبب مرگ یا جرح عده ای را فراهم آورد، در این صورت عمل وی یک فعل است. در حالی که نتایج حاصل از آن هر یک جرمی جداگانه را تشکیل می دهد که در این باره اگر تعدد جرم را مربوط به تعدد افعال بدانیم، فقط یک جرم محقق گردیده. اما اگر مبنای تعدد جرم بر وقوع نتایج متعدد نیز باشد، بدیهی است که چند جرم با اوصاف خاص خود به وقوع پیوسته است. در حقوق جزایی قبل از انقلاب تعدد نتایج ناشی از یک فعل، مشمول قواعد تعدد جرم نبود. که به نظر می رسد مبتنی بر تحلیل حقوقی باشد که عنصر مادی فعل را در چنین موردی واحد می داند و بر این اساس اگر جرم متعدد تلقی شود، عملاً یک عنصر مادی در تشکیل چند جرم دخالت داده شده، برخی جرایم بدون عنصر قانونی منحصر به خود رها می شوند (برومند، ۱۳۹۲: ۸۵).

تکرار جرم

در تعریفی دیگر تکرار جرم چنین معرفی شده است: «اگر کسی مرتکب چند جرم گردد، چنانچه قبل از ارتکاب جرم دوم یا چندم برای جرم یا جرایم قبلش تحت تعقیب قرار گرفته و به محکومیت قطعی محکوم شده باشد، در این صورت مرتکب در موقع رسیدگی مشمول قاعده ی تکرار جرم خواهد گردید.» به نظر می رسد که تعاریف فوق از آن جهت که فاقد جامعیت و اشمال بوده و در راستای تحولات تقنینی ناظر به تکرار جرم ارائه نشده اند، چندان تصویر

روشنی از آن ارائه ندهند که برای رفع این نقیصه لازم می‌دانیم برای تحقق تکرار جرم در هر یک از جرایم مشمول مجازات های تعزیری و بازدارنده و هم چنین جرایم مشمول حد، تعریف جداگانه ای ارائه دهیم.

۲-۴- جهات شخصی تشدید جرم

کیفیات و جهات مشدده ی شخصی به جهانی اطلاق می شود که بستگی به صفات و ویژگی های خاص مجرم دارد. به طور خلاصه، «کیفیات مشدده شخصی کیفیاتی هستند که در شخص مرتکب جرم وجود دارد و همین امر باعث تشدید مجازات او می گردد. این کیفیات باعث تشدید مجازات کسی می شود که صفات یا خصوصیات مورد نظر قانون گذار در وی جمع شده باشد. از وجوه تمایز بین کیفیات مشدده عینی و شخصی این است که کیفیات عینی در صورت وجود باعث تشدید مجازات مرتکب جرم و سایر شرکاء و افراد دخیل در اعمال مجرمانه خواهد شد، در حالی که کیفیات مشدده شخصی فقط تشدید مجازات شخص مرتکب را در پی داشته و در خصوص سایر افراد قابل اعمال نیست. چرا که علت تشدید مجازات به خاطر جهات و کیفیاتی است که ناظر به شخص مجرم می باشد. مثلا اگر در یک کلاهبرداری گروهی، عده ای کارمند دولت نیز دخالت داشته باشند، بدیهی است افراد غیر کارمند مشمول تشدید مجازات نخواهند شد و در این مورد بنابر نص قانونی، تشدید مجازات بر کارمندان مرتکب بار می گردد. پس از این مقدمه کوتاه، به مواردی از جهات شخصی تشدید مجازات در قانون مجازات اسلامی اشاره می نماییم (بکاریا، ۱۳۹۳: ۱۷۸).

۱- سمت و ماموریت دولتی

۳- تشدید مجازات به سبب کفر و ایمان

۴- تشدید جرم به علت مستی

۵- سردستگی در ارتکاب جرم

۶- سایر جهات شخصی تشدید جرم

به مواردی از جهات شخصی تشدید مجازات اشاره نمودیم. اما باید بدانیم که علل شخصی تشدید مجازات صرفا به موارد ذکر شده محدود نمی شود و موارد دیگری از جمله کهولت سن موضوع ماده (۸۴) ق. م. ا. و قرابت و ارتباط بین مجرم و مجنی علیه موضوع بندهای «الف» و «ب» ماده (۸۲) همان قانون و هم چنین مواد (۵۴۳) و (۵۴۵) قانون یاد شده در خصوص مجازات مستحفظ و تشدید آن، موارد دیگری از جهات شخصی تشدید مجازات در ق. م. ا. هستند، ضمنا لازم به ذکر است که با بررسی مواد قانونی ق. م. ا می توان به موارد دیگری از این جهات نیز برخورد نمود. که به لحاظ پرهیز از طولانی شدن کلام از ذکر آنها خودداری می کنیم.

۳-۴- مجازات مربوط به وظایف خاص نظامی و انتظامی

الف - مجازات مشدده تخلف و سرپیچی از تکالیف نظامی

- تخلف و سرپیچی از تکالیف که موجب تسلط دشمن بر اراضی و مواضع افراد خودی در ماده ۱۵ قانون جرایم نیروهای مسلح

- عدم استفاده از تمام وسایل نظامی و تسلیم به دشمن در ماده ۱۶ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح

- انعقاد قرارداد تسلیم با دشمن ماده ۱۷ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح

- ادامه عملیات نظامی پس از دریافت دستور توقف عملیات ماده ۳۵ قانون جرایم نیروهای مسلح

- عهده دار شدن یا ادامه فرماندهی بدون مجوز ماده ۲۱ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح

بالاترین مقام در نیروهای مسلح مقام رهبری است ماده ۱۵ آیین نامه نیروهای مسلح مقرر می دارد «... فرماندهان رؤسا و مدیران در تمام سلسله مراتب در حدود اختیارات مصوب سازمانی از طرف معظم له فرماندهی و ریاست و مدیریت خواهند داشت. همچنین در ماده ۱۶ همین آیین نامه مقرر شده است: چنانچه مقام معظم فرماندهی کل قوا تمام یا قسمتی از اختیارات خود را به شخص دیگری تفویض فرمایند دستورات آن شخص در حدود اختیارات تفویض شده لازم الاجراء خواهد بود

- لغو دستور در قانون جرایم نیروهای مسلح در مواد ۳۷ و ۳۸ لغو دستور بیان شده است (بکاریا، ۱۳۹۳: ۱۸۵)

ب - شورش

ماه ۳۳ قانون جرایم نیروهای مسلح مجازات افراد نظامی که شورش می کند در صورتی که شورش مسلحانه و از موارد محاربه باشد مرتکب به مجازات محاربه محکوم می شود

ج: علیه تمامیت جسمانی و معنوی اشخاص

- معنوی اشخاص: جرایم علیه شخصیت معنوی اشخاص، که به طور مستقیم حیثیت و شخصیت روحی و روانی آنان را مورد هدف و خدشه قرار می دهد. منظور از جرایم علیه شخصیت معنوی اشخاص عبارت است از رفتارهایی که شخصیت، حیثیت و آبروی افراد را مورد خدشه و آسیب قرار می دهد. حفظ حرمت افراد نظامی با توجه به دستور اسلامی پذیرفته شده است در قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح به جرم اهانت اشاره نموده است که در به دو بخش اهانت به مافوق و اهانت به مادون تقسیم می شود.

- اهانت به مافوق در ماده ۴۸ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح

- اهانت به مادون در ماده ۴۹ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح

د- مجازات مشدده جرائم امنیتی

- خوابیدن سر پست ماده ۲۷ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح و در همین رابطه ماده ۳۲۳ قانون دادرسی و کیفر ارتش هر گونه حالتی که به آن خواب اطلاق شود را بیان کرده است

- ترک پست نگهبانی عنصر قانونی این جرم ماده ۲۹ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح می باشد

- فرار نظامیان و کارکنان: در مورد مسأله اصلی مورد استعلام دبیرکل^۵ برخی کشورها مانند ایالات متحده آمریکا اعلام داشتند در قوانین داخلی شان این موضوع را به رسمیت بشناسند و سربازانی که به دلایل وجدانی، مذهبی یا اخلاقی نمی خواهند خدمت رزمی انجام دهند. در صورت اثبات در دادگاه کمیسیون یا مرجع ذیصلاح دیگر به خدمت غیر رزمی ولی مفید برای جامعه گماشته می شوند که بنابر نظر کمیسیون حقوق بشر، طول این نوع خدمت نباید از خدمت

^۵ conscientious objection

رزمی طولانی تر باشد. البته به رسمیت شناختن این نوع معافیت از رزم، باب سوء استفاده و ادعاهای غیرصادقانه را نیز به شدت باز می کند (آشوری، ۱۳۹۵: ۴۵).

- در زمان صلح فرار کارکنان ثابت در زمان صلح مواد ۳۸ و ۳۹ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح
- در زمان جنگ در قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح بخش دوم از فصل چهارم و از مواد ۴۳ تا ۴۴
- فرار با توطئه ماده ۵۲ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح ،
- فرار متخصص بموجب ماده ۲۷ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح و متخصصان مجرب وافرادی که از بورسیه نیروهای مسلح جهت دوره آموزشی عالی پزشکی ، مهندسی و غیره استفاده کرده اند
- مجازات مشدده جرائم عمومی نظامیان

ب - اختلاس

بحث قابل طرح پیرامون جرم اختلاس، دامنه شمول مرتکین است. صادر ماده ۵ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا و اختلاس و کلاهبرداری تمام افرادی که با دولت دارای رابطه استخدامی هستند را مشمول جرم اختلاس قرار داده است.

۴-۴- مجازات مشدده جرائم مالی نظامیان

- مجازات مشدده جرائم مالی خاص نظامیان

از آن جایی که جرایم مالی در سازمانها و ارگان های نظامی از جمله جرایم شایع بوده و از طرفی به لحاظ گسترده بودن سازمان های نظامی وقوع این جرایم به کرات اتفاق می افتد، قانون گذار نیز به این موضوع واقف بوده و در این رابطه قوانین کیفری مختلفی را برای مجازات مرتکبین این جرایم وضع نموده است با وجود وضع و اجرای این قوانین هنوز هم می توان گفت جامعه ای نیست که از گزند این گونه اعمال مجرمانه مصون و در امان باشد. در جامعه ما نیز خصوصا در سازمانهای نظامی جرایم مالی کارکنان یکی از معضلات اساسی بوده و گاهها به دلیل گستردگی و وسعت ارتکاب آنها اثرات مخرب و زیانباری متوجه این سازمان ها شده و لطمات سنگینی بر آنها تحمیل می گردد.

با این اوصاف جرایم مالی خاص نظامیان همچون ایجاد حریق یا تخریب اموال مؤثر در کیفیت جنگ و دفاع (اموال استراتژیکی)، فروش و حیف و میل و واگذاری اشیای نظامی و اموال نیروهای مسلح را به عنوان جرائم مالی خاص نظامیان اشاره نمود.

- مجازات مشدده جرائم مالی مرکب (نظامیان، کارکنان دولت و دیگر شهروندان)

جرائم مالی مرکب فی مابین نظامیان، کارکنان دولت و دیگر شهروندان در جرائم مرکبی که بین سه دسته فوق وجوه اشتراک دارند می توان از سه جرم زیر نام برد.

- سرقت در مواد ۸۸ تا ۹۲ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ بدان اشاره شده است.

- اتلاف عمدی

جایگاه اصلی بحث اتلاف حقوق مدنی است که بر اساس قاعده اتلاف حکم به جبران خسارت می شود. در اتلاف مدنی، شخص نه قصد فعل داشته و نه عمد در انجام؛ لذا اگر شخصی در خواب نیز به اموال دیگران خسارت وارد کند ضامن اتلاف خواهد بود (پرادل، ۱۳۹۲: ۱۱۶).

از جمله کیفیات دیگر تشدید مجازات، ارتکاب اعمال مجرمانه در زمان ها و مکان های خاص می باشد. به عنوان مثال در مواد (۲۲۲) تا (۲۲۶) قانون مجازات عمومی سال ۱۳۰۴، جهات تشدید مجازات سرقت پیش بینی شده بود، به این ترتیب با وجود آن که بر اساس ماده (۲۲۷) همان قانون، مجازات سرفت ساده بین دو ماه تا دو سال حبس تأدیبی بود، طبق ماده (۲۲۶) چنانچه سرقت در محل مسکونی یا محل های عمومی مثل مجد و حمام صورت می گرفت یا سارق هتک حرز می نمود و یا سرقت در شب واقع می شد، در این صورت مجازات مرتکب یا مرتکبین مرفت، با شش ماه تا سه سال حبس تأدیبی مورد حکم قرار می گرفت (آشوری، ۱۳۹۵: ۶۵).

جهات عینی تشدید جرم

جهات عینی تشدید مجازات واقعیات خارجی هستند که توأم با ارتکاب جرم بوده و جرم را به نحوی خاص خطرناک می سازند. به عبارت بهتر این نوع کیفیات شرایط و اوضاع و احوال خارجی است که تقارن و همزمانی آنها با جرم ارتکابی، بر حالت خطرناکی آن افزوده و بالتیجه سبب می شود تا قانون گذار، جرایم ارتکابی در چنین اوضاع و احوالی را با مجازات نسبتاً شدیدتری مقید نماید. بدین سبب می توان گفت کیفیات مشددهی عینی مجازات، متکی بر چگونگی و نحوه ی تحقق عنصر مادی جرم بوده و خصوصیات خاص فاعل جرم را در زمینه ی تشدید مجازات به موقع برخورد با آن ها مدخلیتی نیست. در ادامه به مصادیقی از جهات با کیفیات عینی تشدید مجازات اشاره می نمایم (اردبیلی، ۱۳۹۵: ۱۲۵).

زمان و مکان ارتکاب جرم

ماده (۲۹۹) ق. م. ا. مقرر می دارد: « دیه قتل در صورتی که صدمه و فوت هر دو در یکی از چهار ماه حرام واقع شود، علاوه بر یکی از موارد ششگانه مذکور در ماده (۲۹۷) به عنوان تشدید مجازات باید یک سوم هر نوعی که انتخاب کرده است، افزوده شود. به نظر می رسد، علت تشدید مجازات در ماه های یاد شده، تقدس و تبرک آن ها در نزد شارع مقدس می باشد. ارتکاب جرم در مکان های خاص نیز قانون گذار را بر آن داشته تا در مواد مختلفی از ق. م. ا. مجازات های جرائم ارتکابی را نسبت به شرایط و مکان های عادی تشدید نماید (اردبیلی، ۱۳۹۵: ۴۵)

کاربرد اسلحه در حین ارتکاب جرم

استفاده از اسلحه، یکی دیگر از کیفیات مشدده ی عینی محسوب می شود که اگر برخی از مجرمین در ارتکاب جرایم خود، مبادرت به کاربرد آن نمایند، مجازات جرم ارتکابی تشدید می شود. قانون گذار در خصوص تعریف سلاح ساکت است، اما شعبه ی (۲) دیوان عالی کشور طی حکم شماره ی ۲۶۵۷ - ۱۳۱۷ / ۱۱ / ۳۰ بیان داشته است «در قوانین ایران اسلحه تعریف نشده است و صرفاً در برخی موارد مصادیق اسلحه بیان شده است، لیکن رویه قضایی تشخیص آن را به عرف واگذار نموده است. بنا به عقیده خبرگان فن، اسلحه وسیله ای است که عادتاً کشنده باشد، اعم از اینکه سرد باشد یا گرم. به هر حال قانون گذار ایران در ق. م. ا. کاربرد اسلحه در زمان ارتکاب جرم را سبب تشدید مجازات می داند به عنوان مثال مواد (۶۱۴)، (۶۱۷)، (۶۵۱)، (۶۵۴)، (۶۹۱)، (۶۹۴) ق. م. است از جمله موادی هستند که استفاده از سلاح اعم از سرد یا گرم را سبب تشدید مجازات بیان می کنند.

به کار بردن آزار و اذیت و تهدید و عنف برای ساقط نمودن مقاومت مجنی علیه و یا متضرراز جرم، جهت سهولت در دستیابی به خواسته های نا مشروع، از جمله جهات کیفیاتی محسوب می شوند که مقنن آن ها را سبب تشدید مجازات مجرم قرار داده است. «آزار عرفا به صدمات و آسیب هایی گفته می شود، که درد جسمی و یا آزرده گی روحی ایجاد کند، بی آنکه ضرب و جرح به شمار رود. مثل اینکه موی سر کسی را بگیرند و بکشند به حدی که طرف متألم شود و یا چشم و دهان کسی را با دستمال ببندند. تهدید نیز به معنای ترسانیدن و وعده آسیب رساندن و اذیت نمودن است که می تواند به شیوه های مختلفی اعم از کتبی و شفاهی عملی شود (ابراهیمی، ۱۳۹۳: ۲۱۵).

ارتکاب جرم در علن

در قانون مجازات اسلامی، قانون گذار در مواردی نسبت به ارتکاب علنی جرایم با شدت بیشتری برخورد نموده است. علنی بودن جرم در پاره ای اوقات به عنوان یکی از عناصر تشکیل دهنده ی عمل مجرمانه مورد توجه قانون گذار قرار گرفته است. به عنوان مثال، پوشیدن لباس های مأموران نظامی و انتظامی موضوع ماده (۵۵۶) ق. م.ا است که یک جرم استمرار یافته است، زمانی به وقوع می پیوندد که این عمل متصف به وصف علنی شود و در پاره ای از اوقات نیز علنی بودن ارتکاب جرم از جهات و علل تشدید مجازات محسوب می شود که منظور ما همین نوع اخیر است. منظور از ارتکاب جرم در عدن، یعنی اینکه مرتکب در مرئی و منظر عمومی دست به ارتکاب جرم بزند. خواه اینکه محل ارتکاب جرم از مکان های عمومی باشد و یا اینکه در مکان های معد برای پذیرش عموم باشد. دیوان عالی کشور در رأی شماره ۴۱۳ - ۱۳۱۸ / ۲ / ۳۱ آورده است: «مقصود از ارتکاب عمل به طور علنی در قوانین جزایی اعم است از این که در مرئی و منظر عموم واقع شود یا در اماکنی که معد برای پذیرش عموم باشد و معابر اعم است از کوچه و خیابان و به طور کلی محلی که ممر عام شناخته می شود، امکنه عمومی محسوب است و احتراز مرتکب از رؤیت مردم و آشکار شدن موضوع به هیچ وجه تأثیری در عینی بودن موضوع ندارد.»

تعدد مجرمان

اگر به وجود آمدن جرم در نتیجه ی اقدام پیش از یک نفر یا به عبارت بهتر دو نفر یا بیشتر سبب شود، وضعیتی پیش می آید که اصطلاحاً تعدد مجرمان نامیده می شود. بر همین اساس ق. م.ا در مواردی تعدد مجرم را از علل و جهات تشدید مجازات دانسته و به عنوان نمونه ماده (۶۸۳) ق.م.ارت مقرر می دارد: «هر نوع نهب و غارت در حالی که اگر همین اعمال بدون شرط مذکور یعنی با تعداد مرتکبان کمتر از نصاب تعیین شده انجام شود، مجازات آن به مراتب کمتر خواهد بود. مثلاً در ماده (۶۷۷) ق. م. که یکی از جهات تشدید مجازات، دسته جمعی بودن شیوه ی ارتکاب جرم بر شمرده شده است. به نظر می رسد مبنای تشدید مجازات در شرایطی که مجرمین متعدد هستند با توجه به موارد زیر قابل قبول می باشد (ابراهیمی، ۱۳۹۳: ۲۴۹).

جهات شخصی تشدید جرم

کیفیات و جهات مشدده شخصی به جهانی اطلاق می شود که بستگی به صفات و ویژگی های خاص مجرم دارد. به طور خلاصه، «کیفیات مشدده شخصی کیفیاتی هستند که در شخص مرتکب جرم وجود دارد و همین امر باعث تشدید مجازات او می گردد (شامبیانی، ۱۳۸۲: ۴۵۲). این کیفیات باعث تشدید مجازات کسی می شود که صفات یا خصوصیات مورد نظر قانون گذار در وی جمع شده باشد. از وجوه تمایز بین کیفیات مشدده عینی و شخصی این است که کیفیات عینی در صورت وجود باعث تشدید مجازات مرتکب جرم و سایر شرکاء و افراد دخیل در اعمال مجرمانه خواهد شد، در حالی که کیفیات مشدده شخصی فقط تشدید. مثلاً اگر در یک کلاهبرداری گروهی، عده ای کارمند دولت نیز دخالت داشته باشند، بدیهی است افراد غیر کارمند مشمول تشدید مجازات نخواهند شد و در این مورد بنابر نص قانونی، تشدید مجازات بر کارمندان مرتکب بار می گردد. پس از این مقدمه کوتاه، به مواردی از جهات شخصی تشدید مجازات در قانون مجازات اسلامی اشاره می نماییم (اردبیلی، ۱۳۹۵: ۴۵).

سمت و مأموریت دولتی

منظور از سمت و مأموریت دولتی، وظیفه و شغلی است که از طرف دستگاه های دولتی و مؤسسات مأمور به خدمات عمومی به عهده ی افراد گذاشته می شود، خواه این مأموریت دائم باشد یا موقت. در مواردی سمت مجرم موجب تشدید مجازات وی می شود. مثلاً در مورد اختلاس اگر مرتکب مأمور و در خدمت دولت باشد، مجازات نسبتاً سنگین تری در خصوص او اعمال می شود (آخوندی، ۱۳۹۰: ۲۴۵).

تشدید مجازات به علت احصان

قانون گذار به تبعیت از احکام شرعی اسلام، احصان را یکی از کیفیات مشدده قرار داده و آن را از عوامل تشدید مجازات در ارتکاب جرم زنا معرفی نموده است. در قانون مجازات اسلامی برای زن یا مردی که از شرایط احصان برخوردار نباشند و مرتکب عمل شنیع زنا شوند، حد صد تازیانه را در نظر گرفته است، اما در صورت حاکمیت شرایط احصان بر آنان، مواضع قانون گذار با شدت عمل بیشتری تغییر کرده به طوری که در ماده (۸۳) ق.م.ا سابق مقرر می دارد: «حد زنا در موارد زیر رجم است، و در دو بند به ترتیب مرد محصن و زن محصنه را مشمول حد رجم قرار می دهد. بنابراین چه گفته شد به نظر می رسد، شریعت مقدس اسلام به لحاظ توجه به تعالیم اخلاقی و سازنده خود و مصون ماندن کانون خانواده از آسیب های اخلاقی و تربیتی و هم چنین حفاظت از حریم نسل بشر، در خصوص ارتکاب جرم زنا از سوی مرد محصن و زن محصنه بر خوردی به مراتب شدیدتر اعمال داشته است. به علاوه عقل و عدل و رحمت الهی حکم می کند که هر گاه کسی بر خلاف مساعدت های الهی از سرکشی و طغیان دست برد ندارد و بخواهد درهای بسته را بگشاید و بی شرمانه به حریم خانواده و نسل ها حمله ور شود، مجازات شدیدتری در مورد او اعمال شود (ابراهیمی، ۱۳۹۳: ۸۵).

تشدید مجازات به سبب کفر و ایمان

در مقررات کیفری اسلام، در بسیاری از موارد، از نظر میزان کیفر بین مسلم و کافر تفاوت هایی دیده می شود. بدین صورت که اگر شخصی کافر قوانین جزایی اسلام را نقض نماید و یا اینکه جنایتی را بر علیه مسلمانی وارد نماید، با وی به شدت بیشتری نسبت به مرتکبان جرمی که مسلمان هستند، برخورد می شود. در این جا برخی مصادیق قانونی چنین

مواردی را مطرح می‌نماییم. در ق.م.ا، وفق بند «ج» ماده (۸۲) زنای غیر مسلمان با زن مسلمان از موجبات قتل زانی عنوان شده است. و همین‌طور در ماده (۱۲۱) همان قانون که در خصوص حد تفخیز بین دو مرد مسلمان صد تازیانه در نظر گرفته شده است، تبصره ذیل آن ماده مقرر می‌دارد: «در صورتی که فاعل غیر مسلمان و مفعول مسلمان باشد، حد فاعل قتل است، در موضوع قتل عمد نیز این شیوه با دقت نظر در مفهوم مواد (۲۰۷)، (۲۰۹)، (۲۱۲) قانون یاد شده به روشنی قابل دریافت است. که به نظر می‌رسد شارع مقدس با توجه به برتری عقیدتی مسلمین نسبت به کفار در خصوص جرایم ارتكابی، در شرایط کفر با شدت عمل بیشتری اعمال مجازات نموده است (ابراهیمی، ۱۳۹۳: ۴۵).

تشدید جرم به علت مستی

ارتکاب جرم در حالت مستی یکی از جهات و علل دیگر تشدید مجازات نسبت به فرد مرتکب می‌باشد به عنوان نمونه اگر قتل و صدمات بدنی که بر اثر حوادث ناشی از تخلفات رانندگی بروز می‌نماید، در حالت مستی اتفاق بیفتد بر اساس ماده (۷۱۸) ق.م.ا است، مجازاتی به مراتب شدیدتر در این خصوص نسبت به وضعیت عادی نسبت به راننده ی مست اعمال می‌گردد. با توجه به مادتين (۵۳) و (۲۲۴) ق.م.ا به نظر می‌رسد اگر شخصی با اختیار و اراده ی آزاد و در پاره ای موارد به منظور ارتکاب جرم اقدام به شرب مسکر نماید، می‌توان جهت حفظ نظم و مراعات حقوق اجتماعی و مصونیت از حالت خطرناکی که بدین سبب بر وی مستولی شده است، وفق قوانین و مقررات، اعمال مجازات وی را تشدید نمود (تاج زاده، ۱۳۹۵: ۱۱۸).

سردستگی در ارتکاب جرم

از آن جایی که رهبری مجرمان و سردستگی در ارتکاب جرم، سبب همبستگی بیشتر بین مجرمین را فراهم می‌آورد، و باعث توفیق آن‌ها در ارتکاب جرایمی می‌شود که اصولاً برای جامعه از شدت خطرناکی بالایی برخوردارند، قانون گذار با توجه به این مسائل اقدام به تشدید مجازات در خصوص مرتکبین جرایم مذکور نموده است. اما از سویی دیگر با توجه به اصل قانونی بودن مجازات‌ها، لازم بود قانون گذار حدود تشدید مجازات را مشخص می‌نمود که به نظر می‌رسد این نکته از ایرادات این ماده قانونی می‌باشد (بحرالعلوم، ۱۳۹۵: ۶۴).

نظام کیفری ایران، به دلایل مختلفی که در این رساله تبیین شد، به الگوی کیفردهی معین و الزامی نزدیک است. به طوری که در مجازات های اسلامی از جمله حدود و دیه (صرف نظر از مناقشات نظری در رابطه با مجازات تلقی کردن دیه) به الگوی کیفردهی الزامی نزدیک است. یعنی قاضی پس از اثبات مجرمیت، تنها مجازاتی را که در قانون معین شده است، مکلف است به صورت الزامی تعیین نماید. در تعیین مجازات های تعزیری نیز گاه با خصوصیات نظام کیفردهی معین و در مواردی نیز با ویژگی های الگوی نامعین سازگار است؛ به طوری که مقنن حداقل و حداکثر کیفر را مشخص و تعیین آن را به قاضی سپرده است. کیفردهی معین و الزامی که در نظام کیفردهی ایران به عنوان الگوی رایج کیفردهی پذیرفته شده است می تواند در رابطه با تعیین کیفرمشکلات متعددی ایجاد کند؛ از جمله ناهمگونی در کیفر تعیینی در جرائم مشابه، عدم شفافیت در تعیین مجازات ها، فقدان تناسب در تعیین مجازات ها، مداخله ضعیف مقام قضایی در تعیین مجازات، عدم امکان توجه به شخصیت مجرم و بی توجهی به نقش بزه دیده در ارتکاب جرم. در ایالت های مختلف آمریکا نیز الگوهای مختلفی پذیرفته شده است، اما الگوی کیفردهی فرضی در حال گسترش است که طرفداران و البته منتقدان خاص خود را نیز دارد. مزیت الگوی کیفردهی فرضی که این دو نظام کیفری را ترغیب به حرکت به سوی چنین الگویی کرده است در این است که میزان اختیارات قضایی در تعیین کیفر نظام مند شده و از تعیین مجازات های نامتناسب اجتناب شده و در تعیین کیفر، نوعی یکنواختی و قابلیت پیش بینی نشده ایجاد می شود. با توجه به تحلیل گونه های کیفردهی به نظر می رسد کیفردهی فرضی یا رهنمود محور تا حدود زیادی بتواند ما را در رسیدن به اهداف کیفردهی نزدیک تر نماید. بدین طریق می تواند با تفکیک مرحله تعیین مجازات از سایر مراحل دادرسی و با پیش بینی رهنمودهای تعیین کیفر و الزام قضات به ذکر دلایل تعیین هر مجازات، کیفر عادلانه تعیین و تا حدود زیادی از تعیین مجازات های نامتناسب و استبداد قضایی اجتناب شود نتیجتاً اینکه سیاست کیفری ایران و آمریکا در قبال موضوع جرم آنجایی که اصل حکومت و هیات حاکمه مورد تعرض قرار می گیرد مجازات مساوی است با مرگ و به رغم اینکه سیاست کیفری ایران توتالیتر و سیاست کیفری آمریکا لیبرال - دموکرات است اما در حوزه جرایم نیروهای مسلح سیاست کیفری ایران و آمریکا همسو بوده و در قالب سیاست افتراقی - سختگیرانه با مجازات های مهلک طراحی گردیده است.

سیاست کیفری ایران در حوزه تعدد جرم و تعدد معنوی یعنی در بحث کیفیات مشدده عام بر مبنای تشدید نیست چه اینکه قانونگذار ایرانی بیان داشته شخص قاضی باید مجازات جرم اشد را در نظر بگیرد، مجازات جرم اشد هم که تشدید نیست! چرا که وقتی مجازات جرم اشد محقق شد خود به خود جرم اخف را هم پوشش می دهد، اما در حقوق آمریکا مطابق غور و بررسی که بعمل آمد زمانی که تعدد معنوی محقق است باید حداکثر مجازات را اعمال کرد که این بیانگر سیاست کیفری مشدده آمریکا به معنای واقعی کلمه است بر خلاف حقوق ایران که سیاست کیفری غیر واقعی عادی و خنثی است.

در ایران سیاست کیفری تقنینی قضایی و اجرایی همگام با هم روی یک موج نبوده و نافی یکدیگر هستند! لذا اهداف مکنون و مستتر در سیاست تقنینی ایران که عمدتاً مبتنی بر خصیصه ارعابی، سزادهی، کیفر گرای و سرکوبگری

مجازات‌ها و اصلاح و تربیت مجرمین است در مرحله قضا و اجرا گرفتار نوعی تسامح و تساهل گردیده که موجب از هم گسیختگی، ناهماهنگی و ناکارآمدی سیاست کیفری تقنینی، قضایی و اجرایی گردیده است. اما در حقوق آمریکا سیاست کیفری تقنینی و قضایی هر دو بر روی یک موج و همگام با یکدیگر بوده بعنوان مثال سیاست کیفری قضایی آمریکا در جرایم موسوم به تروریستی با سیاست کیفری تقنینی تطبیق داشته و نافی هم نیستند.

آیین‌ها و روش‌های اعمال کیفیات مشدده در حقوق ایران و آمریکا متفاوت بوده به عنوان مثال در حقوق ایران در اعمال کیفیات مشدده یکی از روش‌های تغییر جرم از جرم عمومی به جرم امنیتی است که قانونگذار ایرانی با تغییر تلقی از جرم به لحاظ زمان وقوع جرم، مکان وقوع جرم نحوه ارتکاب جرم را تشدید می‌کند و در واقع با تعریف شناور از جرایم آن را مشدد می‌کند بعنوان مثال در قانون جرایم نیروهای مسلح در صورتی که مرتکب قصد مقابله با نظام، قصد براندازی یا قصد شکست جبهه اسلام داشته باشد جرم واقع شده با تاسی از فقه امامیه از عمومی به جرم حدی با مجازات محاربه تغییر شکل پیدا می‌کند، اما در حقوق آمریکا متفاوت بوده و بطور علمی و قانونمند و با استفاده از تئوری‌های جرم‌شناسانه به تناسب حدت جرم، خطرناکی و اوصاف بزهکار تشدید یافته خلاصه اینکه رویکرد سیاست کیفری ایران یک رویکرد تعددی بوده اما رویکرد سیاست کیفری آمریکا یک رویکرد تعقلی است که سیاست کیفری تعددی و ایدئولوژیک مبتنی بر باورها ارزش‌ها و احکام عقیدتی است، اما سیاست کیفری تعقلی مبتنی بر یافته‌های علمی است.



- آخوندی، محمود. (۱۳۹۰). آیین دادرسی کیفری. چاپ اول. تهران: انتشارات طبع و نشر.
- آشوری، محمد. (۱۳۹۵). عدالت کیفری از دیدگاه حمورابی. مجله حقوق تطبیقی، شماره ۷.
- ابراهیمی، علیرضا. (۱۳۹۵). مجموعه مقالات حقوقی. قم: آیین احمد (ص).
- اردبیلی، محمدعلی. (۱۳۹۵). حقوق جزای عمومی. تهران: انتشارات میزان.
- الهام، غلامحسین. (۱۳۸۹). حقوق جزای نظامی. تهران: انتشارات دادگستر.
- بحرالعلوم، سیدمحمدرضا. (۱۳۸۹). تکرار و تعدد جرم. ماهنامه پیام آموزش، تهران: انتشارات قوه قضائیه.
- برومند، فاطمه. (۱۳۹۲). ارزیابی بازدارندگی مجازات حبس، جزای نقدی و تعلیق مجازات در جرایم نظامی. کارآگاه، سال ششم، شماره ۲۴.
- بکاریا، سزار. (۱۳۹۳). رساله جرایم و مجازات ها. ترجمه محمد علی اردبیلی. تهران: میزان.
- پرادل، ژان. (۱۳۹۲). تاریخ اندیشه های کیفری. ترجمه نجفی ابرندآبادی. تهران: نشر سمت.
- شامبیاتی، هوشنگ. (۱۳۹۸). حقوق جزای عمومی (۲). تهران: انتشارات مجد، چاپ ۶.
- ضیایی بیگدلی، محمدرضا. (۱۳۷۳). حقوق جنگ و رفتار با اسیران جنگی، حقوق بین المللی. شماره ۸.
- ظاهری، عباداله. (۱۳۷۷). تمایزات بین نظامیان و غیرنظامیان در مخاصمات مسلحانه بین الملل و تطبیق با قانون ارتش جمهوری اسلامی ایران. مجله دادرسی، شماره ۱۱.
- عظیم زاده اردبیلی، فائزه. (۱۳۹۰). سیاست جنایی و تطور مفهومی آن. تعالی حقوق، سال چهارم، شماره ۱۵.
- عمیقی، ابراهیم. (۱۳۸۳). جرم مطبوعاتی. تهران: انتشارات اندیشه جوان.
- عمید، حسن. (۱۳۷۶). فرهنگ فارسی عمید. تهران، امیر کبیر.
- کاتوزیان، ناصر. (۱۳۸۵). فلسفه حقوق. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- کاشفی، حسن. (۱۳۸۴). جنبش های بازگشت به کیفر در سیاست جنایی کشورهای غربی. مجله تخصصی الهیات و حقوق، ش ۱۶ و ۱۵.
- گارو، رنه. (۱۳۹۹). مطالعات نظری و عملی در حقوق جزا. ترجمه سید ضیاء الدین نقابت. تهران: انتشارات مجد.
- مهری، هادی. (۱۳۹۴). تحلیل کیفر شناختی نظام ضمانت اجراهای کیفری در قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح. سال نوزدهم، ماهنامه دادرسی شماره ۱۱۱.
- می ری، دلماس مارتی. (۱۳۸۱). نظام های بزرگ سیاست جنایی. ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران: نشر میزان.
- نیازی، محسن. (۱۳۹۳). به چرخش گفتمان تبیین جرم از دوره کلاسیک تا پست مدرن. کارآگاه. سال هشتم، شماره ۲۹.
- یزدیان جعفری، جعفر. (۱۳۸۵). اصل فردی کردن مجازات ها؛ تبعیضی فاحش با عدالتی عادلانه. فقه و حقوق، سال سوم شماره ۱۱.